



در همه جا، حتی در کشورهای غربی اتفاق‌های بزرگ و کارهایی که منحصر به فرد می‌شوند زحمتی بیش از زحمت کارهای عادی طلب می‌کنند. ضمن آنکه با وجود همه این سختی‌ها، هر فیلمسازی رغبت دارد که بتواند فیلم‌های بزرگ بسازد و بالطبع این زحمت در خود فیلم هم دیده می‌شود

«رد خون» می‌بینیم و در رفتار، کردار، غیرت و یک‌سری از ویژگی‌های دیگر مثل عصبانیت سریع و حتی شیرینی خاص با شخصیت همین بازیگر در «لاتاری» تشابهات خیلی زیادی دارد. شما می‌خواهید به یک امضا در روایت بعضی از شخصیت‌ها برسید و آن را به تکرار برسانید یا ممکن است این تشابه، ادامه پیدا نکند؟

این ویژگی‌هایی که هادی حجازی فر پیدا کرده، ویژگی‌هایی بود که کاراکتر جذابی را در «هاجرای نیمروز» به وجود آورد و سپس به نوعی دیگر در «لاتاری» دنبال شد. زمانی هم که قرار شد «رد خون» را بسازیم، طبعاً باید همان کاراکتر را ادامه می‌دادیم. البته این ویژگی‌ها لزوماً قرار نیست در همه فیلم‌ها ادامه پیدا کنند.

فیلمسازی باز حمت یا شاید فیلمساز پرز حمت، عنوانی است که می‌توان به شما چسباند از این جهت که انگار کار ساده را دوست ندارید و این را از همان اولین فیلم بلند شما می‌شد فهمید که به نوعی بلندپروازی برای اثبات خودتان دارید. می‌توان گفت فیلمسازی با نگاتیو، اولین قدم

شخصیت

فیلمسازی با جزئیات صحنه و فضاسازی با ننگه داشتن هر گونه عناصر از فضای زمانی داستان‌هایی که آن‌ها را روایت می‌کنید؛ آیا شما فارغ از کار خودتان، شخصیت سختکوشی هم دارید یا برای اثبات خودتان به دیگران، درگیر این کمال‌گرایی شدید و اگر تعریف نشنویید کاملاً انگیزه‌تان را از دست می‌دهید؟

این واقعیت وجود دارد که هر وقت فیلم می‌سازیم به ناچار دشواری‌های ساخت فیلم را هم تحمل می‌کنیم. اگر با اتکا به امکانات موجود و سیستم‌های موجود در سینمای ایران بخواهیم فیلم بسازیم، نمی‌توانیم فیلم‌ها را تا یک حد بالاتر بیاوریم. در دورانی که فیلم‌ها به سمتی می‌رفتند که کوچک شوند و به موقعیت‌های آپارتمانی و شهری محدود شوند، ما تلاش کردیم فیلم‌های بزرگ و به معنایی که در غرب از آن نام برده می‌شود، یعنی «اپیک» بسازیم و تماشاگر را از لذت دیدن فیلم روی پرده محروم نکنیم. در همه جا، حتی در کشورهای غربی اتفاق‌های بزرگ و کارهایی که منحصر به فرد می‌شوند زحمتی بیش از زحمت کارهای عادی طلب می‌کنند. ضمن آنکه با وجود همه این

سختی‌ها، هر فیلمسازی رغبت دارد که بتواند فیلم‌های بزرگ بسازد و بالطبع این زحمت در خود فیلم هم دیده می‌شود. به‌طور کلی، در فیلمسازی ساده‌ترین راه را انتخاب نمی‌کنیم بلکه دنبال بهترین راه هستیم. تا الان نیز هر راهی که به آن رسیده‌ام اگر بهترین بوده، در عین حال سخت‌ترین هم بوده است. این را باید تاکید کنم که برای مخاطب سینما فیلم می‌سازم بنابراین اگر مخاطب به من توجه نکند کم‌انگیزه خواهیم شد. به هر حال، بخشی از وجود محمدحسین مهدویان را سینما اقناع می‌کند، اما بخش دیگری از او، زمانی اقناع می‌شود که فیلمش مورد توجه مردم قرار بگیرد.

آیا می‌توانیم بگوییم که «اوج» یا نهادهای متنوع منسوب به نظام یا همکاری‌های دوباره با سید محمود رضوی که طبع و سلیقه و تفکر خاص خود را در فیلمسازی دارد روی تفکرات شما هم تاثیر گذاشته و احیاناً شما را از قالب یک فیلمساز مستقل بیرون کشیده یا این که در ست‌تر است بگوییم که شما در کارگردانی با هر نهاد یا هر تهیه‌کننده‌ای استقلال رأی خود را دارید؟

در مورد همکاری با «اوج» که من با آن‌ها یک فیلم کار کردم معنی‌اش این است که ما بر سر یک فیلم مشخص باهم به توافق رسیدیم و آن فیلم هم «پستاده در غبار» بود و همکاری‌ام را با سازمان

ExpertSoft Trial Version

